

احساس ناامنی زنان در فضاهای شهری در شهر مشهد

حسین اکبری*، احمد میرمحمدتبار**

(تاریخ دریافت ۹۵/۱۱/۱۵، تاریخ پذیرش ۹۶/۰۲/۲۵)

چکیده

هدف از تحقیق حاضر بررسی احساس ناامنی و ترس زنان در فضای شهری در شهر مشهد و شناسایی تاثیر عوامل فضایی، موقعیتی و فردی بر این احساس زنان می‌باشد. چارچوب نظری تحقیق بر اساس نظریه‌های فضای شهری و احساس امنیت ترکیب بندی شده است. تحقیق به روش پیمایشی انجام و داده‌ها با استفاده از ابزار پرسش‌نامه جمع‌آوری شدند. جامعه آماری تحقیق، همه زنان بالای ۱۵ سال مناطق ۱۳ گانه شهر مشهد می‌باشند که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای ۴۰۲۵ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که حدود ۴۲،۵، ۲۴ و ۳۳،۵ درصد زنان شهر مشهد به ترتیب دارای احساس ناامنی و ترس در حد کم، متوسط و زیاد می‌باشند. نتایج ضرایب رگرسیونی حکایت از این دارد که مهم‌ترین متغیرهای موثر بر احساس ناامنی و ترس زنان در فضاهای عمومی در مشهد به ترتیب، متغیرهای وقوع رفتارهای ناپه‌نجان در محله، وجود فضاهای ناامن شهری در محله، متوسط درآمد ماهیانه خانوار، مورد خشونت واقع شدن در محله، پوشش نامناسب زن، موقعیت محل زندگی (حاشیه شهر=۱)، وجود فضاهای جرم خیر شهری در محله و وضعیت روشنایی معابر و کوچه‌های محله می‌باشد. همچنین تغییرات رابطه بین متغیرها در بین زنان مقولات مختلف (زنان گروه‌های سنی جوان، میان‌سال، بزرگسال و زنان حاشیه نشین و غیر حاشیه نشین) نشان داد که عملکرد متغیرهای مستقل در زیر نمونه‌های مختلف می‌تواند متفاوت باشد.

مفاهیم کلیدی: احساس ناامنی، زنان، فضاهای ناامن شهری، فضاهای جرم‌خیز شهری.

* استادیار جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه فردوسی مشهد h-akbari@um.ac.ir

** دانشجوی جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه فردوسی مشهد
ahmadmirtabar@gmail.com

مقدمه و بیان مسأله^۱

امروزه احساس عدم امنیت یا ناامنی اجتماعی یکی از بزرگترین مسائل شهرها به شمار می‌رود که دارای اثرات روانی و اجتماعی نامطلوبی است. با توجه به اثرات مهم و منفی احساس ناامنی اجتماعی بر افراد جامعه، این مفهوم در چند دهه‌ی اخیر مورد توجه محققان حوزه جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و شهرسازی قرار گرفته است. احساس ناامنی، آزادی و لذت در محیط‌های عمومی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و راحتی و آسایش را در جامعه محدود می‌کند (دی^۲ و همکاران، ۲۰۰۳: ۳۱۱). احساس ناامنی اجتماعی در گروه‌های اجتماعی مختلف، حدت و گستره متفاوتی دارد. زنان به دلیل وجود تبعیض‌های جنسیتی که در جامعه نسبت به آنان وجود دارد بیشتر در معرض احساس ناامنی قرار دارند. محققان مختلفی تاکید می‌کنند که زنان بیشتر از مردان احساس ناامنی اجتماعی دارند (کوشلا^۳، ۱۹۹۷؛ مهتا و باندی^۴، ۱۹۹۹). هرچند که زنان با خطرات قابل توجهی از خشونت (شامل تجاوز جنسی و خشونت خانوادگی) در فضاهای خصوصی مواجه‌اند، ولی بیشتر زنان در فضاهای عمومی؛ به‌خصوص خارج از خانه؛ احساس ناامنی بیشتری می‌کنند (دی، ۲۰۰۱).

حاشیه‌ای شدن زنان در جامعه و عدم استفاده آن‌ها از امکانات و فرصت‌ها نسبت به مردان، سبب تشدید احساس ناامنی آنان در جامعه می‌گردد. به‌نظر می‌رسد تهدید احساس امنیت اجتماعی زنان تحت تأثیر نابرابری‌های ساختاری و تبعیضات گوناگون است که در جامعه وجود دارد و چون انواع نابرابری‌های فرهنگی و ساختاری در جامعه وجود دارد می‌توان سعی در شناسایی انواع تهدیدهایی نمود که احساس امنیت اجتماعی زنان را به خطر می‌اندازد (جمالی و شایگان، ۱۳۹۰: ۹۶). احساس ناامنی و ترس، هویت جنسی زنان را به‌وسیله ارتقای این طرز تفکر که زنان باید خود را با محدودیت‌های هنجارهای اجتماعی برای محافظت از امنیت فردی سازگار کنند شکل می‌دهد. در همین راستا، هویت جنسی مردانه سنتی، ممکن است ترس زنان را در فضاهای عمومی به‌وسیله القای تفکر وابستگی و آسیب‌پذیری زنان و خطرناک بودن حضور بدون محافظت زنان در فضاهای عمومی تقویت کند (باومن^۵، ۱۹۹۳).

۱. مقاله حاضر بر اساس داده‌های طرح «شناسایی آسیب‌ها و نابهنجاری‌های شهری به تفکیک محلات شهری» که با حمایت مالی شهرداری مشهد اجرا گردید، تدوین شده است.

2 - Day

3 - Koskela

4 - Mehta & Bondi

5 - Bowman

با رشد روند جهانی شدن، حضور زنان در فضاهای عمومی بسیار دارای اهمیت است و این حضور جزء حقوق شهروندی آنها در جوامع دموکراتیکی است که داعیه برابری حقوق زن و مرد دارند. بنابراین حضور زنان در فضاهای شهری؛ به عنوان یکی از مصادیق فضاهای عمومی؛ از ضروریات است و باید فرصت‌های برابری برای حضور همه گروه‌های سنی و جنسی فراهم شود. این در حالی است که این فضاها بیشتر در اختیار مردان است و حضور زنان در آن محدودتر می‌باشد. همان‌طور که گفته شد این محدودیت حضور زنان و ماهیت مردانه داشتن فضاهای شهری منجر به تشدید احساس ناامنی زنان می‌شود (هکسلی^۱، ۲۰۰۲).

در چند دهه اخیر در ایران، زنان حضور پررنگ‌تری در عرصه‌های عمومی داشتند. افزایش تعداد دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی زن منجر به افزایش تقاضای کار و اشتغال از سوی آنها شده است. با افزایش اشتغال زنان بیرون از خانه، حضور آنها در عرصه‌های عمومی بیشتر می‌شود. حضور بیشتر زنان در فضاهای عمومی در شهرها منجر به افزایش احساس ناامنی اجتماعی در آنها شده است. به طوری که تحقیقات مختلفی در ایران مثل مدیری (۱۳۸۵)، علیخواه و نجیبی (۱۳۸۵)، بمانیان و همکاران (۱۳۸۸) و حیدری و همکاران (۱۳۹۲) احساس ناامنی زنان را در فضاهای عمومی شهرهای ایران متوسط و بیشتر از آن گزارش کرده‌اند. به دلیل این که زنان نیمی از افراد جامعه ایران را تشکیل می‌دهند و در حقیقت قسمت بزرگی از نیروی کار و فعال اجتماع به شمار می‌آیند، ایجاد شرایطی که بتوانند در آن به راحتی فعالیت نموده و در آن احساس امنیت نمایند ضروری است. آن چه این ضرورت را دوچندان می‌کند این است که عدم احساس امنیت زنان در واقع به مفهوم تهدید ارزش نقش مادری، همسری و گاهی سرپرستی یک خانواده است و مصون ماندن از هر آسیب و تجاوزی که زن و حریم زنان را از لحاظ جسمی و روحی تهدید کند متعاقباً به نسل‌های بعدی منتقل خواهد شد. به همین دلیل باید سعی شود عواملی که در جهت افزایش احساس امنیت زنان برای حضور بیشتر و فعال‌تر در جامعه تأثیرگذار هستند شناسایی و تقویت شوند. بنابراین تحقیق حاضر درصدد بررسی میزان احساس ناامنی زنان در فضاهای شهری در شهر مشهد و عوامل موثر بر آن است.

احساس امنیت و ناامنی؛ تعاریف و ملاحظات نظری

امنیت از ریشه لاتین *Securus* است که در لغت به معنای نداشتن دلهره و دغدغه می‌باشد. بنابراین معنای لغوی امنیت، رهایی از تشویش، اضطراب، ترس یا احساس آرامش و اطمینان خاطر است. فرهنگ لغت لاروس امنیت را چنین تعریف می‌کند: «اعتماد، آرامش روحی و روانی است.

تفکری که بر اساس آن خطر، ترس، وحشت و خسران بی‌معنا می‌شود. فقدان مخاطرات.» (نقل از نصری، ۱۳۸۱: ۱۱۴).

در طول عصر جنگ سرد، امنیت بیشتر به عنوان مسئله حاکمیت دولت‌ها در نظر گرفته می‌شد و مواردی مثل تمامیت ارضی و خودمختاری سیاسی را در بر می‌گرفت. بعد از دهه ۱۹۸۰ میلادی، تمرکز مطالعات در حوزه امنیت گسترده‌تر و عمیق‌تر شد. گستره مطالعات این حوزه از تمرکز بر امنیت نظامی صرف به سمت تمرکز بر انواع بیشتری از امنیت مثل امنیت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و محیطی تغییر پیدا کرد. این تغییر تمرکز در مطالعات حوزه امنیت، ابتدا در اندیشمندان مکتب کپنهاگ^۱ اتفاق افتاد. نظریه‌پردازان این مکتب، امنیت را در پنج بخش نظامی، سیاسی، اقتصادی، محیطی و اجتماعی دسته‌بندی می‌کردند. طبق این دسته‌بندی، بخش نظامی امنیت به روابط قدرت، بخش سیاسی امنیت به روابط حاکمیت، بخش اقتصادی امنیت به روابط اقتصادی، بخش محیطی امنیت به روابط انسان و طبیعت و بخش اجتماعی امنیت به روابط بین گروه‌های اجتماعی مربوط می‌شود (پانیچ^۲، ۲۰۰۹: ۳۰).

در بین دسته‌بندی پنج‌گانه از مفهوم امنیت، امنیت اجتماعی مفهوم جدیدی تری نسبت به بقیه است. در امنیت اجتماعی، هدف اصلی امنیت، کمتر به تمامیت ارضی و حاکمیت مربوط می‌شود و بیشتر بر هویت جمعی تمرکز دارد. مفهوم امنیت اجتماعی و احساس ناشی از آن بیشتر بر حفظ الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب، هویت ملی و جمعی در یک جامعه اشاره دارد (بوزان^۳ و همکاران، ۱۹۹۸).

در همین راستا، کارو^۴ و همکاران (۲۰۱۰) چهار بعد مرتبط با احساس ناامنی اجتماعی و ترس از جرم را مشخص کردند. این ابعاد، درک از این‌که هدف جذاب و مناسب برای قربانی شدن هستند، طعمه و هدف فرد یا گروهی از افراد قرار گرفتن، نداشتن قدرت کنترل موقعیت و مدیریت احساسات و قرار گیری در فضاهای جرم خیز می‌باشند که به عنوان منابعی برای احساس ناامنی اجتماعی و تهدید در نظر گرفته می‌شوند.

مبانی نظری امنیت و احساس امنیت:

در قسمت مبانی نظری تحقیق به مرور نظریات حوزه امنیت اجتماعی پرداخته می‌شود. در این بخش بیشتر نظریاتی بررسی می‌شود که به عوامل اجتماعی، فضایی و محیطی موثر بر امنیت اجتماعی زنان و احساس ناشی از آن بپردازند.

1 - Copenhagen

2 - Panić

3 -Buzan

4 -Carro

نظریه بوزان: بوزان از نخستین صاحب‌نظرانی است که بحث‌های منسجمی را درباره امنیت مطرح کرده است، آرای وی درباره امنیت سطوح فردی، ملی و بین‌المللی را دربرگرفته و امنیت اجتماعی را ذیل امنیت ملی آورده است که در این جا به دلیل ارتباط با موضوع فقط به نظرات وی درباره امنیت فردی و امنیت اجتماعی اشاره می‌شود. امنیت فردی به شبکه روابط و تناقضات بین امنیت شخصی و امنیت دولت ارتباط پیدا می‌کند، دولت منشأ اصلی تهدید و نیز امنیت افراد است. افراد علت اصلی و نیز سرمنشأ در برخی محدودیت‌ها برای فعالیت‌های دولت (که جهت تأمین امنیت انجام می‌دهد) هستند. بوزان عواملی که امنیت افراد را به خطر می‌اندازند، به چهار دسته تهدیدهای جسمانی (مثل درد، رنج و مردن)، تهدیدهای اقتصادی (مثل تصرف و تخریب اموال، عدم دسترسی به کار و منابع اقتصادی)، تهدیدهای حقوقی (مثل انکار آزادی‌ها و برابری‌های مدنی و تهدیدات موقعیتی و پایگاهی (مثل تحقیر و تنزل رتبه) تقسیم می‌کند (بوزان، ۲۰۰۸: ۱۹-۲۰). امنیت اجتماعی از نظر بوزان به حفظ ویژگی‌هایی ارجاع دارد که بر مبنای آن افراد خودشان را به عنوان عضو یک گروه اجتماعی قلمداد می‌کنند یا به بیان دیگر معطوف به جنبه‌هایی از زندگی فرد می‌گردد که هویت گروهی او را سامان می‌بخشد. از نظر بوزان، امنیت اجتماعی به استمرار شرایط قابل‌قبول برای تکامل الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب و هویت‌های جمعی اشاره دارد. همچنین امنیت اجتماعی به ظرفیت جامعه برای حفاظت از ویژگی‌های ضروری خود در مقابله با محیط اطراف و تهدیدات احتمالی اشاره دارد. این امنیت زمانی به خطر می‌افتد که جامعه آن خطر را خطری برای هویت جمعی خود بداند (هوو^۱، ۲۰۰۴: ۱۰۶). بوزان و نظریه‌پردازان مکتب کپنهاگ تهدیدهای را برای امنیت اجتماعی بر شمردند که از آن‌ها می‌توان به دو مورد رقابت افقی مثل مهاجرت و رقابت عمودی مثل یک‌پارچه‌سازی^۲ و جدایی‌گزینی^۳ اشاره کرد (پانیک، ۲۰۰۹: ۳۲).

نظریه ویور^۴: از نظر ویور امنیت اجتماعی بدان معناست که جامعه بتواند در شرایط تغییر و تهدیدات واقعی و محتمل ویژگی‌های اساسی خود را حفظ کند. ویور به ارتباط نزدیک بین هویت، جامعه و امنیت تأکید دارد و بیان می‌کند که دولت مسئولیت‌پذیر باید جامعه را از تهدیدهای خارجی محافظت کند. البته ویور در جایی دیگر می‌گوید که قدرت بیش از حد دولت می‌تواند خطری برای امنیت افراد جامعه باشد. به نظر او، دولت بیشتر بر خطراتی که امنیت حاکمیت را تهدید می‌کند تمرکز می‌نماید، این در حالی است که امنیت اجتماعی درباره خطرات برای هویت جمعی جامعه می‌باشد. او معتقد است تئوری امنیت اجتماعی بر هویت جمعی در مقیاس بزرگ

1 - Hough

2 - integrations

3 - secessions

4 - Weaver

مانند هویت‌های مذهبی، جنسیتی و قومی متمرکز است که وظایفی مستقل از دولت دارند(صلاح)^۱،
۲۰۱۰: ۲۲۳).

اجتماعات مذهبی، به عنوان گروه‌های خودکفا، می‌توانند یک مرجع امنیت اجتماعی باشند. ویور بیان می‌کند که مطالعات امنیت اجتماعی، مذهب را به اجتماعات مذهبی کاهش می‌دهند و از بعد معنوی آن که منبعی برای امنیت افراد جامعه است غفلت می‌کند. از نظر او، امنیت مذهبی و امنیت اجتماعی رابطه تنگاتنگی باهم در جامعه دارند(ویور، ۲۰۰۸: ۵۸۸). جنسیت دومین مثال از اجتماعاتی است که رابطه خاصی با امنیت اجتماعی دارد. امنیتی شدن اجتماعات جنسیتی زمانی اتفاق می‌افتد که درک سنی از جنسیت جای خود را با شکل‌های قابل قبول دیگر جنسیت در جامعه عوض کند. در موارد مرسوم جامعه، جنسیت زمانی که یک گروه از یک جنسیتی در معرض خطر باشند، می‌تواند یک منبع برای امنیت باشد. برای مثال فمینیست‌ها سلطه مردان را یک خطر جمعی برای خودشان تلقی می‌کنند که همین می‌تواند منجر به تشکیل یک هویت جمعی در میان زنان و در نهایت احساس امنیت بیشتری گردد(همان، ۵۸۹).

نظریه پارسونز^۲ درباره امنیت: به اعتقاد پارسونز ما در جامعه با مسئله‌ای بنام انتقال ارزش‌های اساسی به افراد روبه‌رو هستیم و این ارزش‌ها هستند که کیفیت عمل افراد را تعیین می‌کنند و در بقای نظم و امنیت سهیم هستند؛ چرا که اعضای یک جامعه ارزش‌های آن را می‌پذیرند و به هنجارهای آن گردن می‌نهند. پارسونز دلیل این امر را افرادی می‌داند که آن هنجارها و ارزش‌ها را درونی می‌کنند و از این طریق، آن ارزش‌ها و هنجارها جزء اعتقادات درونی، امتیازات شخصی و انتظارات افراد از یکدیگر می‌شوند(شایگان، ۱۳۹۰: ۱۰۲).

انتقال هنجارها و ارزش‌ها در نظریه پارسونز از طریق نظام فرهنگی صورت می‌گیرد. نظامی که کارکرد ذخیره و انتقال معرفت فرهنگی و هنجارهای اجتماعی را دارد. در هر صورت رویکرد پارسونز به نظم اجتماعی، مفهوم قدرت و زور را حذف نمی‌کند بلکه آن را از جلوی جبهه نظم به پشت آن پرتاب می‌کند. در واقع حفظ نظم و یک‌پارچگی اجتماعی در نظریات پارسونز و کارکردگرایان مبتنی بر دو عنصر: ۱- اجتماعی کردن^۳؛ ۲- نظارت اجتماعی و بیرونی است. تعریف کردن نظم اجتماعی بدین طریق سازه نظری در اختیار ما قرار می‌دهد که مفاهیم امنیت اجتماعی را مبتنی بر آن تأمین می‌کنیم. در این رویکرد امنیت اجتماعی یا از طریق قدرت با ابزار کنترل بیرونی تأمین می‌شود یا با انتقال مفاهیم هنجاری از طریق نظام آموزشی و خانواده به‌دست می‌آید. دولت یا از طریق ابزار کنترل بیرونی مانند پلیس، جریمه، دادگاه و تنبیه امنیت اجتماعی را فراهم می‌کند. یا از طریق

1 - Saleh

2 - Parsons

3 . Socialization

آموزش و پرورش، و نظام آموزشی کارکرد خود را انجام می‌دهد (ریترز، ۱۳۸۶). در نتیجه این فرآیند ارزش‌ها و هنجارهای مشترک پذیرفته شده رفتار افراد را جهت می‌دهد و یکپارچگی و وفاق عمومی حاصل می‌شود؛ نتیجه این یکپارچگی و وفاق احساس امنیت افراد در جامعه است.

نظریه گیدنز: آرای گیدنز در باب امنیت در قالب مفهوم امنیت هستی‌شناختی قرار می‌گیرد. امنیت هستی‌شناختی یک مفهوم مرکزی و جزئی از نظریه گیدنز برای درک جوامع مدرنیته است. از نظر گیدنز مفهوم امنیت هستی‌شناختی به اطمینان افراد جامعه از وجود و استمرار هویت‌شان و تداوم محیط‌های اجتماعی و مادی اطراف فرد، اشاره دارد (گیدنز، ۱۹۹۰: ۹۲). گیدنز امنیت را به عنوان «یک تعادل بین اعتماد و خطر قابل قبول» تعریف می‌کند. وی معتقد است که خطر و مخاطره از پیامدهای مدرنیته است که در شرایط مدرنیته و بر اثر نیروهای عظیم پویایی مدرنیته موجب شده‌اند که برخی از صور بنیادی روابط اجتماعی اعتماد از محیط‌های محلی جدا شوند. با توجه به نظریه گیدنز، با افزایش روند جهانی‌شدن و قرار گرفتن فرد در روند جهانی‌شدن، اعتماد عمومی و سپس امنیت اجتماعی او کاهش یابد. بنابراین می‌توان گفت که اعتماد و امنیت از نظر گیدنز رابطه تنگاتنگی با هم دارند و می‌توانند به عنوان لایه‌های دفاعی برای مقابله با مشکلات افراد در مدرنیته عمل کنند (کاهیر^۱، ۲۰۱۳: ۴). امنیت هستی‌شناختی تجربه‌ای احساسی است که در ناخودگاه افراد وجود دارد ولی منبع آن در وجود و هستی حال حاضر افراد واقع شده است. گیدنز بیان می‌کند که امنیت هستی‌شناختی لایه‌ای محافظتی است که به افراد اجازه می‌دهد که خودشان را از خطرات دنیای امروزی دور کنند (گیدنز، ۱۹۹۱: ۴۰).

پیشینه تحقیق:

در داخل کشور بیشتر تحقیقات حوزه امنیت زنان به بررسی امنیت زنان و عوامل اجتماعی موثر بر آن پرداختند. در این قسمت به تعدادی از تحقیقاتی که تاثیر عوامل اجتماعی، فضایی و محیطی را بر امنیت زنان بررسی کردند مرور می‌شود. اکثر تحقیقات خارجی در این حوزه، عوامل اجتماعی، فضایی و محیطی موثر بر ناامنی اجتماعی زنان را بررسی کرده‌اند که چند مورد از آن‌ها در این قسمت مرور می‌شود.

حیدری و همکاران (۱۳۹۲) تحقیقی را با هدف بررسی نابرابری منطقه‌ای امنیت در زنان شهر یاسوج انجام دادند. این تحقیق با استفاده از روش پیمایشی، به بررسی امنیت درون جنسی زنان مناطق ۲ گانه شهر یاسوج در رابطه با ویژگی‌های محیط اجتماعی و فیزیکی محل سکونت شان پرداخته است. بر اساس نتایج تحقیق، سه مورد از مهمترین عوامل ناامن کننده زنان، به ترتیب،

کوچه‌های فرعی؛ اراذل و اوباش و دزدی؛ و درگیری، مزاحمت ناموسی و اراذل و اوباش بوده‌اند. ویژگی‌های اجتماعی منطقه سکونت، موجب ناامنی بیشتر زنان مجرد؛ لیسانسیه‌ها و بالاتر و دیپلمه‌ها؛ و زنان دانشجو، دارندگان کار آزاد و دانش‌آموزان در مقایسه با دیگر گروه‌های زنان شده‌اند. در بعد کلی امنیت، زنان مجرد منطقه بالا بیشترین ناامنی و زنان متاهل منطقه بالا کمترین ناامنی را داشته‌اند.

گلی (۱۳۹۰) در تحقیقی به سنجش میزان احساس امنیت زنان در پارک آزادی کلان شهر شیراز، به عنوان فضایی عمومی، پرداخته است. این تحقیق به روش پیمایشی و جامعه آماری آن، زنان بالای پانزده سالگی است که در زمان پژوهش به تنهایی در پارک آزادی حضور داشتند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که عوامل محیطی مانند کاربری اراضی، تنوع کاربری‌های پیرامون و ساعت‌های فعالیت آن‌ها و نیز مجاورت‌های مکانی کاربری‌ها، با افزایش حس امنیت زنان پاسخ‌گو رابطه معناداری دارد. عوامل شخصی مانند سن، تحصیلات، اشتغال و مهاجرت تاثیر معناداری بر میزان احساس امنیت زنان نداشته است.

بمانیان و همکاران (۱۳۸۸) تحقیقی را با عنوان سنجش عوامل مؤثر بر ارتقای امنیت زنان در محیط‌های شهری انجام دادند. داده‌های مورد نیاز بر پایه پرسش‌نامه از ۲۷۸ زن تهرانی گردآوری شده است. آن‌ها با سنجش میزان امنیت درک شده از فضا و میزان تردد و استفاده از فضا و ارتباط بین این دو مؤلفه به این نتیجه رسیدند که بین احساس امنیت درک شده از فضا و میزان تردد و استفاده از آن فضا رابطه مستقیمی وجود دارد.

نوروزی و فولادی سپهر (۱۳۸۸) با هدف بررسی احساس امنیت زنان شهر تهران در دو بعد احساس امنیت در محیط خانواده و احساس امنیت در مکان‌های عمومی انجام دادند. در این تحقیق، با استفاده از شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای و نمونه‌گیری تصادفی ساده با ۳۸۴ نفر از زنان ۱۵-۲۹ ساله شهر تهران مصاحبه شده است. نتایج نشان می‌دهد که متغیرهای احساس امنیت محل سکونت و احساس نظم اجتماعی تاثیر مثبت و مستقیم و متغیرهای پدرسالاری و خشونت خانگی تاثیر منفی و معکوسی بر احساس امنیت زنان دارند.

وارپ^۱ (۲۰۱۵) تحقیقی را با هدف بررسی میزان احساس امنیت زنان در فضاهای عمومی شهرهای ایالات متحده آمریکا انجام داد. این تحقیق به روش پیمایشی حدود ۲۲۰۰۰ زن را مورد بررسی قرار داد. نتایج تحقیق نشان داد که حدود ۸۵ درصد از زنان زیر ۴۰ سال این تحقیق آزار و اذیت شدن و احساس ناامنی را توسط یک مرد یا گروهی از مردان تجربه کرده‌اند. همچنین حدود ۵۰ درصد این اذیت‌ها از دستمالی بوده است. پاسخ‌گویان بیشتر خیابان‌ها، پارک‌ها و ایستگاه‌های

حمل و نقل عمومی را به عنوان شایع‌ترین مکان آزار و اذیت گزارش کرده‌اند. همچنین بیشتر این موارد در زمان‌های بعدازظهر به بعد، به‌خصوص در شب، اتفاق افتاده است.

والرا و گواردیا^۱ (۲۰۱۴) به بررسی رابطه بین ترس از جرم و احساس ناامنی در شهر بارسلونا^۲ پرداختند. این تحقیق بر روی ۵۷۱ زن شهر بارسلونا و به روش پیمایشی صورت گرفت. متغیرهای مستقل این تحقیق سه دسته بودند. دسته‌ی اول، مربوط به متغیرهای بازنمایی فضایی شامل تجربه قبلی، هویت محله‌ای و نفوذ اجتماعی می‌شد. دسته‌ی دوم به محیط نایمن شامل کنترل محیطی، ساعت شبانه روز، روشنایی کافی، حضور بالقوه تجاوزگران و وندالیسم مربوط می‌گردد. دسته سوم به متغیرهای اجتماعی مثل سن، کنترل اجتماعی و حمایت اجتماعی مربوط می‌شود. نتایج تحقیق نشان داد که هر سه دسته از متغیر بر احساس ناامنی تاثیر معناداری دارد. نکته‌ی قابل توجه تحقیق حاضر این بود که عوامل اجتماعی به اندازه عوامل فضایی و محیطی در احساس ناامنی دارای اهمیت‌اند.

کارو و همکاران (۲۰۱۰) تحقیقی را با هدف بررسی عوامل فردی، اجتماعی و محیطی بر احساس ناامنی در فضاهای عمومی انجام دادند. تحقیق بر روی ۳۵۸ نفر از شهروندان شهرهای اسپانیا و به روش پیمایشی انجام شد. نتایج این تحقیق نشان داد که متغیرهای بازنمایی فضایی، رضایت شهروندان، هویت اجتماعی، حمایت اجتماعی و متغیرهای محیطی بیشترین پیش‌بینی کننده احساس ناامنی هستند. همچنین نتایج نشان می‌دهد که فرایندهای تعامل اجتماعی و ساختارهای اجتماعی ناامن منجر به ایجاد احساس ناامنی در فضاهای عمومی می‌شود.

لی^۳ و همکاران (۲۰۰۷) تحقیقی را با عنوان امنیت شهری و رفتار فضایی در پورتو آلگره^۴ برزیل انجام دادند. این تحقیق به بررسی نقش ساختارهای فضایی در شکل‌دهی به رفتارهای افراد می‌پردازد. تاکید اصلی این تحقیق بررسی رابطه بین ویژگی‌های فضاهای شهری و جرائم رخ داده با احساس ناامنی اجتماعی است. جمع‌آوری داده با استفاده از مصاحبه، نقشه‌های شهری، مشاهده رفتارها و پرسش‌نامه صورت گرفته است. نتایج تحقیق نشان داد که محیط‌های با روشنایی بیشتر از محیط‌هایی با روشنایی کمتر دارای احساس امنیت بیشتری هستند. همچنین محیط‌های وسیع و گسترده از محیط‌های تنگ و کوچک دارای احساس ناامنی کمتری هستند. همچنین نتایج تحقیق نشان داد که در مکان‌هایی که جرم بیشتری اتفاق می‌افتد، احساس ناامنی خیلی بیشتر است.

1 - Valera and Guàrdia

2 - Barcelona

3 - Lay

4 - Porto Alegre

در برخی تحقیقات (مثل میچ^۱، ۲۰۰۰؛ گارسیا کوئتو^۲ و همکاران، ۲۰۰۳؛ آمیرو و روکتو^۳، ۲۰۰۵) به این نتایج دست یافتند که احساس ناامنی و ترس از جرم در زنان و افراد سال‌خورده بیشتر از بقیه افراد است.

چارچوب نظری: فضای شهری و امنیت زنان

در ادبیات حوزه احساس امنیت، احساس ناامنی اجتماعی مرتبط با ترس از جرم، مکان‌های خطرناک و فرایندهای درک خطر در فضاهای عمومی می‌باشد. میکلی^۴ و همکاران (۲۰۰۴) به برخی از عناصر کلیدی در رابطه با احساس ناامنی اجتماعی و ترس از جرم اشاره کرده است. یکی از این عناصر، سطوح جرم رخ داده در جامعه می‌باشد. اگرچه همه انواع جرائم تاثیر یکسانی بر احساس ناامنی و ترس از جرم ندارند، در این حوزه بیشتر به جنبه‌های ذهنی و ترس و احساس ناامنی که در جامعه ایجاد می‌کنند، توجه می‌شود. عنصر دوم، به رفتارهای ناهنجار اجتماعی و فیزیکی مثل وندالیسم، دیوار نویسی در شهر، کارتن‌خوابی و آسیب به مبلمان شهری که نشان‌دهنده خطری بالقوه است توجه می‌کند. عنصر سوم، بر ویژگی زندگی شهری مثل تراکم جمعیت، مشکلات انسجام اجتماعی، اندازه ساختمان‌ها و پرخاشگری در خیابان‌ها متمرکز است. عنصر چهارم بر برخی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی تاکید می‌کند.

در رابطه با فضاها و امنیت اجتماعی زنان نظریات مختلفی وجود دارد. این نظریات بیشتر در قالب نظریات فضا در جغرافیای انسانی و بازتولید اجتماعی فضا بر اساس جنس، نژاد و طبقه قرار می‌گیرد. به عقیده ماسی^۵ (۱۹۹۴) این نظریات به فضا به صورت یک چیز فیزیکی نگاه نمی‌کنند بلکه آنرا به عنوان برساختهٔ عاملان اجتماعی در نظر می‌گیرند. این نظریات همچنین می‌دانند که فضا به صورت برابر توزیع نشده است و به صورت برابر در دسترس همهٔ افراد قرار ندارد. آن‌ها مدعی هستند که زنان دسترسی نابرابری به فضاهای عمومی در شهر دارند. با توجه به این نظریات می‌توان بیان کرد که فضاهای شهری به صورت تاریخی در اختیار مردان بوده و زنان محروم از استفاده از آن بوده‌اند. یکی از دلالت‌های این مدعا، آزار و اذیت شدن زنان در خیابان‌های شهرهای بزرگ و ترس زنان از خشونت مردان هنگام تردد در فضاهای شهری است (فنستر^۶، ۲۰۰۵).

1 - Mesch

2 - García Cueto

3 - Amerio and Roccato

4 - Miceli

5 - Massey

6 - Fenster

در همین راستا، واتسون^۱ (۲۰۱۰) بیان می‌کند که فضاهای شهری ذاتاً جنسیتی است و مسئله فضا بر ساخته جنسیت می‌باشد. جغرافی‌دانان فمینیستی مثل ماسی (۱۹۹۴) مدعی هستند که جغرافیا و جنسیت به صورت پیچیده‌ای به هم وابسته هستند و مسئله جغرافیا و مسئله جغرافیای جنسیتی شده با هم وجود دارد. ویلسون (۱۹۹۱) از اصطلاح «منظره جدید^۲» در شهرها استفاده می‌کند، این اصطلاح به مکان‌های اقلیت‌ها قومی، طبقات کارگر و به‌خصوص زنان اشاره می‌کند که دسترسی نابرابری نسبت به مردان مسلط به فضاهای شهری دارند. او مدعی است که این چالش‌های دوگانه بین فضاهای مردانه و زنانه و فضاهای دولتی و خصوصی ابتدا در جوامع غربی وجود داشت. فرایدن^۳ (۱۹۷۷) بیان می‌کند که به دلیل فضاهای مردانه در شهرها و حومه‌های آن، زنان در حومه-ی شهرهای آمریکا فقط به شوهران و فرزندان خود خدمت می‌کنند و فرصتی برای خودآگاهی و حضور در عرصه عمومی ندارند.

همه این نویسندگان به طور مشترک، آگاهی‌ای از جنسیت مرتبط با فضا یا چگونگی بر ساخته شدن فضا و تاثیر آن بر زندگی روزانه زنان دارند. واتسون (۲۰۱۰) از اصطلاح «فضایی شدن روابط جنسیتی^۴» استفاده کرده است. او مدعی است که روش‌های سازمان‌دهی جامعه توسط ما صرفاً انعکاسی از روابط جنسیتی نیست، اما روابط جنسیتی بیشتر به عنوان نتیجه سازمان‌های اجتماعی و فضایی است. علاوه بر این، شهرها و حومه‌ها بیشتر روابط جنسیتی را به نفع مردان مسلط و به ضرر زنان، تولید و بازتولید می‌کنند. خیابان‌ها با روشنایی کم، ترس زنان را به خصوص از مورد حمله قرار گرفتن^۵ تقویت می‌کنند. همچنین زنان احساس خطر هنگام استفاده از وسائل نقلیه عمومی خلوت و عبور از خیابان شلوغ و پرترافیک و قدم زدن در پارک دارند.

«جغرافیای ترس زنان» یکی از حوزه‌هایی است که مرتبط با موضوع فضا و امنیت زنان است. پایین^۶ (۲۰۰۱) بیان می‌کند که این حوزه به بررسی رابطه بین ترس زنان از خشونت مردان و درک و تحمیل آنان به استفاده از فضاهای عمومی می‌پردازد. تاکید این حوزه بر فضا، اهمیت دسترسی عاملان را به فرصت‌های برابر نقض نمی‌کند، ولی آن را بیشتر تولید شده روابط قدرت پدرسالارانه می‌داند (کوسکلا^۷، ۱۹۹۹). ترس زنان بیشتر از تردد تنها در فضاهای عمومی می‌آید، به این خاطر که آن‌ها بیشتر اوقات با یک همراه تردد کردند و بدترین تجربه‌ها را زمانی در فضاهای عمومی

1 -Watson
2 -new vision
3 -Friedan
4 -spatialization of gender relations
5 -assault
6 -Pain
7 -Koskela

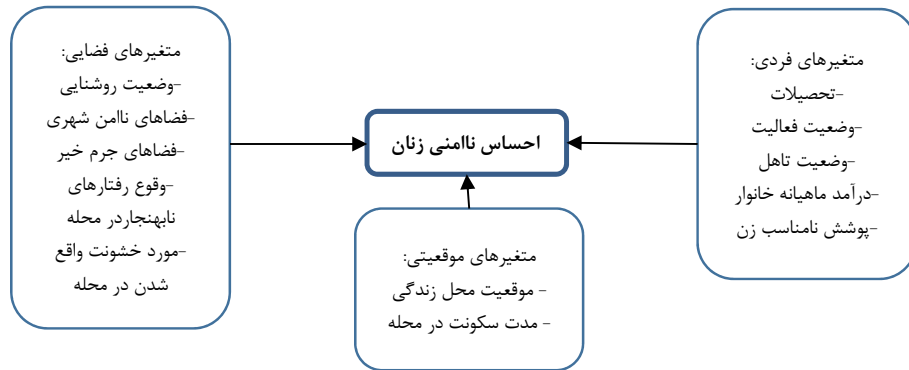
داشتند که به همراه اعضای خانواده و پلیس نبودند. ترس از فضاهای عمومی مورد توجه مباحث عمومی و تاکتیک‌های پیشگیری از جرم است که بر زنان و قربانی نشدن آن‌ها (توصیه به این افراد برای دوری از مکان‌های معین در زمان‌های مشخص یا نپوشیدن لباس‌های نامناسب) به جای مسئول شمردن قربانیان تمرکز می‌کند (وسلی و گارد^۱، ۲۰۰۴).

ترس زنان از خشونت وقتی که آن‌ها از حضور در فضاهای عمومی بدون یک همراه منع می‌شوند، به عنوان محرومیت فضایی درک می‌شود. برخی فضاهای عمومی به دلیل ماهیت‌شان عموماً در اکثر زنان ایجاد ترس و عدم امنیت می‌کنند. فضاهای روباز و گسترده مثل پارک‌ها و خیابان‌ها، فضاهای بسته با راه خروجی محدود مثل زیرزمین‌ها، متروها و کوچه‌های باریک از این جمله فضاها هستند. رعایت برخی موارد مثل همراه داشتن یک فرد در هنگام قدم زدن در پارک، تنها وارد نشدن در مترو و پوشیدن لباس‌های پوشیده‌تر منجر به کاهش ترس زنان در فضاهای عمومی می‌شود (پاین، ۲۰۰۱).

محققان همچنین درباره چگونگی تاثیر ویژگی‌های محیطی مناظر شهری بر ترس از مورد حمله قرار گرفتن تحقیقاتی انجام داده‌اند. به دام افتادن (یا داشتن فرصت فرار) به عنوان یکی از عوامل مهم مورد حمله قرار گرفتن، با چگونگی مخفی شدن در ارتباط نزدیک است. درختان و دیوارها می‌تواند به عنوان موانع بالقوه دور ماندن از چشم دیگران مطرح شود. در نظریه پناهگاه بلوبام و هانک^۲ (۲۰۰۵) بیشتر توضیح داده می‌شود. همچنین در نظریات بوم‌شناسی انسانی روی تعامل بین انسان و محیط و چگونگی تاثیر مثبت یا منفی ویژگی‌های محیطی بر درک و استفاده افراد از فضا تمرکز می‌کند. تحقیقات مختلف در این حوزه ترس تجربه‌شده زنان را از مورد تجاوز قرار گرفتن کاهش می‌دهند. این تحقیقات با طراحی مجدد فضاهای شهری آن را برای شهروندان امن‌تر و قابل دسترس‌تر می‌کنند (وارپ، ۲۰۱۵).

1 -Wesley and Gaarder
2 -Blöbaum and Hunecke

مدل تحقیق:



فرضیه‌های تحقیق:

با توجه به پیشینه تحقیق و مبانی نظری، می‌توان این فرضیات را مطرح کرد: بین متغیرهای فضایی (وضعیت روشنایی معابر و کوچه های محله، وجود فضاهای ناامن شهری در محله، وجود فضاهای جرم خیز شهری در محله، وقوع رفتارهای ناپهناجر در محله و مورد خشونت واقع شدن در محله) و احساس ناامنی زنان در فضای شهری رابطه وجود دارد. بین متغیرهای موقعیتی (موقعیت محل زندگی و مدت سکونت در محله) و احساس ناامنی زنان در فضای شهری رابطه وجود دارد. بین متغیرهای فردی (تحصیلات، وضعیت فعالیت، وضعیت تاهل، متوسط درآمد ماهیانه خانوار و پوشش نامناسب زن) و احساس ناامنی زنان در فضای شهری رابطه وجود دارد.

روش تحقیق:

مطالعه با روش کمی و با تکنیک پرسش‌نامه همراه با مصاحبه انجام شده است. از آنجایی که هدف بررسی وضعیت احساس ناامنی زنان در فضای شهری بوده جمعیت آماری تحقیق کلیه زنان ۱۵ سال و بیشتر شهر مشهد بوده که توانایی پاسخ به سوالات را داشته اند. به منظور فراهم شدن امکان مقایسه وضعیت شاخص‌های در سطح محلات و مناطق شهر مشهد نمونه بر اساس تست اولیه برای هر منطقه با استفاده از فرمول کوکران به تفکیک تعیین و در نهایت در مجموع ۴۰۲۵ نفر در مناطق ۱۳ گانه شهر مشهد^۱ مورد پرسش قرار گرفتند.

۱- در مقاله حاضر به بررسی مناطق شهری پرداخته نشده است.

شیوه نمونه‌گیری: در مطالعه حاضر با توجه به تنوعات سنی، مکانی و ... در جامعه هدف با بررسی روش‌های نمونه‌گیری در مطالعات داخلی و خارجی مانند پیمایش اجتماعی عمومی^۱، پیمایش اجتماعی اروپا^۲ و پیمایش ارزش جهانی^۳ از یک نمونه‌گیری چند مرحله‌ای استفاده شده است. روش نمونه‌گیری در محلات با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای صورت پذیرفته است. در مطالعه حاضر واحد نمونه‌گیری اولیه (PSUs) در نواحی آماری شهری استاندارد، محلات شهرداری می‌باشند. واحد نمونه‌گیری در PSUs بلوک‌های شهری بودند. برای نمونه‌گیری در بلوک‌ها ابتدا حجم نمونه مشخص، سپس با استفاده از نقشه‌های GIS که در آن‌ها بلوک‌های شهری شماره‌گذاری شده بودند، متناسب با حجم نمونه اختصاص یافته در هر محله، بلوک‌هایی به تصادف انتخاب می‌شود. در هر بلوک با استفاده از نمونه‌گیری سیستماتیک واحدهای مسکونی به تصادف انتخاب و در هر واحد یک نفر مطابق با جدول تصادفی در اختیار پرسشگرها مورد پرسش قرار گرفتند.

سنجش متغیرهای تحقیق: نحوه سنجش متغیرهای تحقیق به همراه ضریب آلفای کرونباخ در جدول ۱. آمده است.

مشخصات پاسخ‌گویان

نزدیک به نیمی از پاسخ‌گویان (۴۸,۷ درصد) در بازه سنی ۳۰ تا ۴۹ سال و بیش از یک‌چهارم آن‌ها (۲۷,۳) بیش از ۵۰ سال سن دارند. تحصیلات بیشتر زنان حاضر در تحقیق (۴۵,۹ درصد) تا سیکل می‌باشد. بعد از آن، بیشترین میزان تحصیلات با ۳۷,۲ درصد به تحصیلات تا دیپلم تعلق دارد که این مطلب حکایت از برخورداری کم تحصیلات دانشگاهی در زنان حاضر در تحقیق دارد. بیش از چهار پنجم پاسخ‌گویان (۸۳,۷ درصد) خانه‌دار و تنها ۷,۷ درصد آن‌ها شاغل هستند. خانواده حدود نیمی از زنان (۴۹,۳ درصد) بین ۵۰۰ هزار تا یک میلیون تومان درآمد دارند.

-
- 1 - General Social Survey (GSS)
 - 2 - European Social Survey (ESS)
 - 3 - World Values Survey (WVS)

احساس ناامنی زنان در فضای شهری در شهر مشهد

جدول ۱. مقدار آلفای کرونباخ متغیرهای تحقیق

ضریب آلفای کرونباخ	معرفها	متغیرهای تحقیق
۰,۷۹	وضعیت مزاحمت درختان برای نوردهی به معابر کیفیت روشنایی پارکها و فضای سبز محله وضعیت کلی نور و روشنایی در کوچه های محله	وضعیت روشنایی معابر و کوچه های محله
۰,۷۷	مکانها و زمینهای خالی ناامن در سطح محله مکانها و گوشه های تاریک در مسیر عابرین پیاده در شب	وجود فضاهای ناامن شهری در محله
۰,۹۰	مناطق مشهور به فساد در محله خانه های مشکوک به رفتارهای نامناسب اجتماعی مکانهایی برای تجمع معتادان مکانهایی برای تجمع افراد مزاحم و شرور در محله مکانهایی برای خرید و فروش مواد مخدر در محله	وجود فضاهای جرم خیز شهری در محله
۰,۷۴	وجود افراد معتاد شدید با ظاهر نامناسب در سطح محله مزاحمتها برای دختران و زنان محله سرقت از منزل اهالی محله دعوایی که در آن از چاقو، چماق و ... استفاده شده باشد مصرف مشروبات الکلی و مصرف مواد مخدر در محله	وقوع رفتارهای نابهنجار در محله
۰,۸۰	تهدید شدن توسط چاقو کنتک خوردن در محله مورد زورگیری قرار گرفتن در محله	مورد خشونت واقع شدن در محله
۰,۸۳	پوشیدن لباس تنگ بدن نما آرایش غلیظ صورت لاک زدن به ناخنهای دست	پوشش نامناسب زن
۰,۹۰	احساس ناامنی در هنگام تردد به تنهایی در شب احساس ناامنی در هنگام تردد با ماشین مسافربر در شب احساس ناامنی در هنگام فرستادن کودک به تنهایی به مدرسه احساس ناامنی در زمان حمل پول به مقدار زیاد احساس ناامنی در زمان خالی گذاشتن منزل به مدت چند روز	احساس ناامنی زنان

جدول ۲. توصیف ویژگی‌های فردی پاسخ‌گویان

وضعیت فعالیت زنان			تحصیلات زنان			سن زنان		
درصد	فراوانی	گروه‌های فعالیت	درصد	فراوانی	رتبه تحصیلی	درصد	فراوانی	گروه سنی
۷,۷٪	۳۰۸	شاغل	۴۵,۹٪	۱۷۷۲	تا سیکل	۲۴,۰٪	۹۶۲	از ۱۵ تا ۲۹ سال (جوانان)
۸۳,۷٪	۳۳۳۰	خانه دار	۳۷,۲٪	۱۴۳۶	تا دیپلم	۴۸,۷٪	۱۹۵۳	از ۳۰ تا ۴۹ سال (میان‌سال)
۸,۶٪	۳۴۱	سایر (محصل، سرباز، بیکار و ...)	۱۶,۹٪	۶۵۴	دانشگاهی	۲۷,۳٪	۱۰۹۴	بیشتر از ۵۰ سال (بزرگ‌سال)
۱۰۰٪	۳۹۷۹	کل پاسخ‌گویان	۱۰۰٪	۳۸۶۲	کل پاسخ‌گویان	۱۰۰٪	۴۰۰۹	کل پاسخ‌گویان
مدت اقامت زنان در محله			وضعیت تاهل زنان			متوسط درآمد خانواده زنان		
درصد	فراوانی	مدت اقامت	درصد	فراوانی	وضعیت تاهل	درصد	فراوانی	گروه‌های درآمدی
۴۲,۹٪	۱۶۹۲	کمتر از ۵ سال	۸,۹٪	۳۵۰	مجرد	۱۸,۷٪	۶۶۲	کمتر از ۵۰۰ هزار تومان
۱۶,۲٪	۶۴۱	از ۶ تا ۱۰ سال	۸۲,۷٪	۳۲۵۹	متاهل	۴۹,۳٪	۱۷۴۳	از ۵۰۱ هزار تا ۱ میلیون
۴۰,۹٪	۱۶۱۲	بیشتر از ۱۰ سال	۸,۴٪	۳۳۱	تنها (فوت یا طلاق)	۳۱,۹٪	۱۱۲۹	از ۱,۱ تا ۲ میلیون تومان
۱۰۰٪	۳۹۴۵	کل پاسخ‌گویان	۱۰۰٪	۳۹۴۰	کل پاسخ‌گویان	۱۰۰٪	۳۵۳۴	کل پاسخ‌گویان

اکثر زنان حاضر در تحقیق متاهل می‌باشند و زنان مجرد و تنها به دلیل فوت همسر یا طلاق کمتر از ۲۰ درصد نمونه را تشکیل می‌دهند. بیشترین میزان اقامت در محله مربوط به اقامت کمتر از ۵ سال با ۴۲,۹ درصد می‌باشد که این حکایت از این دارد که بیشتر حدود نیمی از زنان تازه در محله خود ساکن شده‌اند.

یافته‌های مطالعه:

وضعیت احساس ناامنی زنان در فضای شهری

احساس ناامنی زنان در فضای شهری در شهر مشهد

نتایج جدول ۳ حکایت از این دارد که حدود ۴۲,۵ درصد زنان شهر مشهد در حد کم احساس ناامنی و ترس می‌کنند. این در حالی است که حدود یک سوم آن‌ها (۳۳,۵ درصد) در حد بالا احساس ناامنی و ترس دارند. به‌طوری می‌توان بیان کرد که احساس ناامنی و ترس حدود دو سوم (۶۶,۵ درصد) از زنان شهر مشهد در تحقیق حاضر در حد پایین و متوسط است. میانگین احساس ناامنی و ترس در پاسخ‌گویان در حد ۴۳,۴۷ (در بازه ۰ تا ۱۰۰) با انحراف استاندارد ۳۰,۲۰ می‌باشد.

جدول ۳. وضعیت احساس ناامنی زنان در فضای شهری

انحراف استاندارد	میانگین	درصد	فراوانی		
۳۰,۲۰	۴۳,۴۷	%۴۲,۵	۱۷۱۱	احساس ناامنی پایین	احساس ناامنی در فضای شهری
		%۲۴,۰	۹۶۴	احساس ناامنی متوسط	
		%۳۳,۵	۱۳۵۰	احساس ناامنی بالا	

مطابق با جدول ۴ نتایج آزمون تحلیل واریانس یک راهه نشان می‌دهد که بین میانگین احساس ناامنی و ترس زنان مشهدی بر حسب گروه سنی (با مقدار F، ۸,۵ و سطح معناداری ۰,۰۰۰) تفاوت معنادار وجود دارد. میانگین احساس ناامنی زنان میان‌سال (۴۴,۷۰) بیشتر از سایر زنان است. در رده بعدی، زنان جوان با میانگین ۴۴,۴۶ دارای بیشترین میزان احساس ناامنی و ترس قرار دارند. مقدار F در حد ۲۱,۳۰ و سطح معناداری ۰,۰۰۰ حکایت از این دارد که بین احساس ناامنی و ترس زنان بر حسب سطح تحصیلات تفاوت وجود دارد. مطابق این نتایج، با افزایش سطح تحصیلات، میزان احساس ناامنی و ترس در زنان بیشتر می‌شود، به‌طوری‌که میانگین زنان دارای تحصیلات دانشگاهی با ۴۸,۷۷ بیشتر از این میانگین در زنان با تحصیلات دیپلم و سیکل است. بین میانگین احساس ناامنی و ترس زنان مشهدی بر حسب وضع تاهل (با مقدار F، ۱۰,۳۶ و سطح معناداری ۰,۰۰۰) تفاوت معنادار وجود دارد. میانگین احساس ناامنی زنان مجرد (۴۸,۴۳) بیشتر از سایر زنان می‌باشد. در رده بعدی، زنان متاهل با میانگین ۴۳,۴۶ دارای بیشترین میزان احساس ناامنی و ترس قرار دارند.

نتایج احساس ناامنی زنان بر حسب وضع فعالیت حکایت از این دارد که زنان غیرشاغل و غیرخانه‌دار با میانگین ۴۸,۱۱ دارای بیشترین میزان احساس ناامنی و ترس می‌باشند. بعد از آن‌ها، زنان شاغل با ۴۷,۳۸ بیشترین میانگین را به خود اختصاص داده‌اند. مقدار F در حد ۷,۴۵ و سطح معناداری ۰,۰۰۱ حکایت وجود تفاوت معنادار بین احساس ناامنی و ترس زنان بر حسب وضع فعالیت دارد.

بین میانگین احساس ناامنی و ترس زنان مشهودی بر حسب درآمد (با مقدار F ، ۱۴,۶۷ و سطح معناداری ۰,۰۰۰) تفاوت معنادار وجود دارد. در درآمدهای بالای ۵۰۰ هزار تومان، با افزایش درآمد میزان احساس ناامنی و ترس در زنان بیشتر می‌شود، به طوری که میانگین احساس ناامنی زنان دارای درآمد بیش از ۲,۱ میلیون با ۴۹,۰۳ بیشتر از سایر زنان می‌باشد. نتایج آزمون یک راهه حکایت از این دارد بین میانگین احساس ناامنی زنان بر حسب مدت سکونت در محله (با سطح معناداری ۰,۵۸۵) و موقعیت محل زندگی (با سطح معناداری ۰,۴۱۰) تفاوت معناداری وجود ندارد.

احساس ناامنی زنان در فضای شهری در شهر مشهد

جدول ۴. وضعیت احساس ناامنی زنان در فضای شهری به تفکیک مقولات اجتماعی مختلف

آزمون معناداری		احساس ناامنی زنان در فضای شهری				
معناداری	آزمون F	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد پاسخ‌گویان		
۰,۰۰۰	۸,۵۰	۳۱,۰۱	۴۴,۴۶	۹۶۲	از ۱۵ تا ۲۹ سال (جوانان)	سن پاسخگویان
		۳۰,۰۹	۴۴,۷۰	۱۹۵۳	از ۳۰ تا ۴۹ سال (میان‌سال)	
		۲۹,۴۶	۴۰,۲۲	۱۰۹۴	بیشتر از ۵۰ سال (بزرگ‌سال)	
۰,۰۰۰	۲۱,۳۰	۳۰,۴۵	۴۰,۲۰	۱۷۷۲	تا سیکل	تحصیلات
		۳۰,۳۸	۴۴,۵۵	۱۴۳۶	تا دیپلم	
		۲۸,۸۳	۴۸,۷۷	۶۵۴	دانشگاهی	
۰,۰۰۰	۱۰,۳۶	۲۹,۰۷	۴۸,۴۳	۳۵۰	مجرد	وضعیت تاهل
		۳۰,۲۱	۴۳,۴۶	۳۲۵۹	متاهل	
		۳۰,۰۹	۳۷,۹۲	۳۳۱	تنها	
۰,۰۰۱	۷,۴۵	۲۹,۵۸	۴۷,۳۸	۳۰۸	شاغل	وضعیت فعالیت
		۳۰,۱۸	۴۲,۶۰	۳۳۳۰	خانه دار	
		۲۹,۸۳	۴۸,۱۱	۳۴۱	سایر	
۰,۰۰۰	۱۴,۶۷	۳۱,۸۸	۴۱,۴۲	۶۶۲	کمتر از ۵۰۰ هزار تومان	درآمد
		۳۰,۶۷	۴۰,۶۶	۱۷۴۳	از ۵۰۱ هزار تا ۱ میلیون	
		۲۸,۹۷	۴۶,۳۵	۸۹۶	از ۱,۱ تا ۲ میلیون تومان	
		۲۸,۱۳	۴۹,۰۳	۲۳۳	بیشتر از ۲,۱ میلیون تومان	
۰,۵۸۵	۰,۵۳۷	۳۰,۱۴	۴۳,۲۸	۱۶۹۲	کمتر از ۵ سال	مدت سکونت در محله
		۳۰,۲۰	۴۴,۶۵	۶۴۱	از ۶ تا ۱۰ سال	
		۳۰,۳۶	۴۳,۰۶	۱۶۱۲	بیشتر از ۱۰ سال	
۰,۴۱۰	۰,۶۸۰	۲۹,۱۴	۴۳,۵۰	۲۷۵۵	غیر حاشیه	موقعیت محل زندگی
		۳۲,۳۸	۴۳,۳۹	۱۲۷۰	حاشیه	

عوامل موثر بر احساس ناامنی زنان در فضای شهری

برای بررسی تاثیرگذاری مستقل هر یک از متغیرهای فضایی، موقعیتی و فردی ابتدا تاثیر هر کدام از آنها را در قالب مدل‌های ۱ تا ۳ و تاثیر همه این عوامل در مدل ۴ بررسی شد. نتایج مدل ۱ نشان می‌دهد که همه متغیرهای فضایی، به استثنای متغیر وجود فضاهای جرم خیز شهری در محله، تاثیر مثبت و معناداری بر احساس ناامنی زنان دارد. تاثیرگذارترین متغیرهای فضایی موثر بر احساس ناامنی زنان در مشهد به ترتیب، متغیرهای وقوع رفتارهای نابهنجار در محله (بتا=۰,۳۱)، وجود فضاهای ناامن شهری در محله (بتا=۰,۱۳)، وضعیت روشنایی معابر و کوچه‌های محله (بتا=۰,۰۶) و مورد خشونت واقع شدن در محله (بتا=۰,۰۵) است. این چهار متغیر فضایی حدود ۱۷ درصد از تغییرات احساس ناامنی زنان در مشهد را توضیح می‌دهد.

نتایج مدل ۲ حکایت از این دارد که متغیرهای موقعیتی محل زندگی در حاشیه شهر و مدت سکونت در محله به صورت مستقل تاثیر معناداری بر احساس ناامنی زنان در مشهد ندارند و نمی‌توانند آن را تبیین کنند.

مدل ۳ نشان می‌دهد که از بین متغیرهای فردی، متغیرهای تحصیلات، متوسط درآمد ماهیانه خانوار و پوشش نامناسب زنان بر احساس ناامنی و ترس آنها تاثیر مثبت و معنادار و متغیر سن بر این احساس زنان تاثیر منفی و معنادار می‌گذارد. تاثیرگذارترین متغیرهای فردی موثر بر احساس ناامنی زنان در مشهد به ترتیب، متغیرهای پوشش نامناسب زن (بتا=۰,۰۸)، تحصیلات (بتا=۰,۰۵)، متوسط درآمد ماهیانه خانوار (بتا=۰,۰۴) و سن (بتا=۰,۰۴-) می‌باشد. این چهار متغیر فردی، تنها ۲ درصد از تغییرات احساس ناامنی زنان در مشهد را تبیین می‌کند.

مطابق مدل ۴، مهم‌ترین متغیرهای موثر بر احساس ناامنی زنان در مشهد به ترتیب، متغیرهای وقوع رفتارهای نابهنجار در محله (بتا=۰,۲۹)، وجود فضاهای ناامن شهری در محله (بتا=۰,۱۳)، متوسط درآمد ماهیانه خانوار (بتا=۰,۰۹)، مورد خشونت واقع شدن در محله (بتا=۰,۰۵)، پوشش نامناسب زن (بتا=۰,۰۵)، موقعیت محل زندگی در حاشیه شهر (بتا=۰,۰۵-)، وجود فضاهای جرم خیز شهری در محله (بتا=۰,۰۴) و وضعیت روشنایی معابر و کوچه‌های محله (بتا=۰,۰۳) می‌باشد. این متغیرهای مستقل حدوداً ۱۹ درصد تغییرات متغیر احساس ناامنی زنان مشهدی را توضیح می‌دهد. مقایسه‌ی ضرایب تعیین مدل‌های ۱ تا ۳ و ضرایب بتای مدل ۴ حکایت از این دارد که متغیرهای فضایی تاثیر بیشتری بر متغیر وابسته دارند. در بین متغیرهای فضایی، رفتارهای نابهنجار در محله و وجود فضاهای ناامن شهری در محله تاثیر بیشتری بر احساس ناامنی زنان داشتند. به این صورت که هرچه، رفتارهای نابهنجار و فضاهای ناامن در شهر بیشتر باشد، احساس ناامنی زنان بیشتر می‌شود.

جدول ۵. ضرایب رگرسیونی استاندارد شده احساس ناامنی زنان در فضای شهری روی متغیرهای مستقل

مدل ۴		مدل ۳		مدل ۲		مدل ۱		
معناداری	ضریب بتا	معناداری	ضریب بتا	معناداری	ضریب بتا	معناداری	ضریب بتا	
(۰,۰۴۸)	۰,۰۳					(۰,۰۰۰)	۰,۰۶	وضعیت روشنایی معابر و کوچه های محله
(۰,۰۰۰)	۰,۱۳					(۰,۰۰۰)	۰,۱۳	وجود فضاهای ناامن شهری در محله
(۰,۰۰۶)	۰,۰۴					(۰,۸۴۲)	۰,۰۰	وجود فضاهای جرم خیر شهری در محله
(۰,۰۰۰)	۰,۲۹					(۰,۰۰۰)	۰,۳۱	وقوع رفتارهای ناپه‌نجا در محله
(۰,۰۰۱)	۰,۰۵					(۰,۰۰۱)	۰,۰۵	مورد خشونت واقع شدن در محله
(۰,۰۰۹)	-۰,۰۵			(۰,۹۰۹)	-۰,۰۰۲			موقعیت محل زندگی (حاشیه شهر = ۱)
(۰,۷۵۴)	-۰,۰۱			(۰,۹۴۰)	-۰,۰۰۱			مدت سکونت در محله
(۰,۳۲۱)	-۰,۰۲	(۰,۰۴۰)	-۰,۰۴					سن
(۰,۱۷۷)	۰,۰۳	(۰,۰۱۱)	۰,۰۵					تحصیلات
(۰,۴۳۸)	۰,۰۱	(۰,۸۱۵)	۰,۰۰					وضعیت فعالیت (شاغل = ۱)
(۰,۵۲۵)	-۰,۰۱	(۰,۶۶۰)	۰,۰۱					وضعیت تاهل (مجرد = ۱)
(۰,۰۰۰)	۰,۰۹	(۰,۰۱۶)	۰,۰۴					متوسط درآمد ماهیانه خانوار
(۰,۰۰۵)	۰,۰۵	(۰,۰۰۰)	۰,۰۸					پوشش نامناسب زن
۰,۱۹		۰,۲		۰		۰,۱۷		ضریب تعیین
۲۹۷۱		۳۵۳۳		۴۰۲۵		۳۴۱۸		تعداد پاسخ‌گویان ۱

۱- تفاوت در مدل‌های مختلف به دلیل وجود داده‌های گمشده (missing) در برخی زیرگروه‌ها می‌باشد.

تحلیل حساس!

به منظور بررسی دقیق‌تر یافته‌های بخش استنباطی، رابطه بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته در زیر گروه‌هایی از نمونه شامل زنان حاشیه شهر و غیرحاشیه شهر، زنان جوان، میان‌سال و بزرگ‌سال مورد تحلیل مجدد قرار گرفت که نتایج بررسی در مدل‌های ۵ تا ۹ آورده شده است.

جدول ۶. ضرایب استاندارد شده احساس ناامنی زنان در فضای شهری روی متغیرهای مستقل به تفکیک زنان محلات حاشیه و غیرحاشیه شهر مشهد

مدل ۶		مدل ۵			
زنان محلات غیر حاشیه		زنان محلات حاشیه			
معناداری	ضریب بتا	معناداری	ضریب بتا		
(۰,۲۶۲)	۰,۰۴	(۰,۱۸)	۰,۰۳	وضعیت روشنایی معابر و کوچه‌های محله	متغیرهای فضایی
(۰,۰۰۰)	۰,۲۱	(۰,۰۰۰)	۰,۰۹	وجود فضاهای ناامن شهری در محله	
(۰,۰۰۲)	۰,۱۴	(۰,۸۵۱)	۰,۰۰	وجود فضاهای جرم خیر شهری در محله	
(۰,۰۰۰)	۰,۲۳	(۰,۰۰۰)	۰,۳۲	وقوع رفتارهای ناپه‌نجان در محله	
(۰,۳۴۵)	-۰,۰۳	(۰,۰۰۰)	۰,۰۸	مورد خشونت واقع شدن در محله	
(۰,۰۱۲)	-۰,۰۹	(۰,۳۵۳)	۰,۰۲	مدت سکونت در محله	متغیرهای موقعیتی
(۰,۸۸۶)	۰,۰۱	(۰,۲۸۱)	-۰,۰۳	سن	متغیرهای فردی
(۰,۹۶۹)	۰,۰۰	(۰,۰۸۱)	۰,۰۴	تحصیلات	
(۰,۳۸)	۰,۰۳	(۰,۶۷۲)	۰,۰۱	وضعیت فعالیت (شاغل = ۱)	
(۰,۹۴۱)	۰,۰۰	(۰,۴۸۱)	-۰,۰۱	وضعیت تاهل (مجرد = ۱)	
(۰,۸۸)	۰,۰۰	(۰,۰۰۰)	۰,۱	متوسط درآمد ماهیانه خانوار	
(۰,۰۶۱)	-۰,۰۶	(۰,۰۰۲)	۰,۰۷	پوشش نامناسب زن	
۰,۲۳		۰,۱۹		ضریب تعیین	
۸۰۶		۲۱۶۶		تعداد پاسخ‌گویان	

در مدل‌های ۵ و ۶ رابطه متغیرهای مستقل با متغیر وابسته به تفکیک زنان مناطق حاشیه شهر و زنان مناطق غیر حاشیه شهر مشهد آورده شده است. ضریب تعیین مدل‌های ۵ و ۶ نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل تحقیق، احساس ناامنی زنان غیرحاشیه‌نشین را بیشتر از زنان حاشیه‌نشین تبیین می‌کنند. متغیرهای فضایی در هر دو گروه زنان بیشترین تاثیر را بر احساس ناامنی زنان دارد. بیشترین متغیرهای فضایی موثر بر احساس ناامنی زنان حاشیه‌نشین به ترتیب، متغیرهای وقوع

احساس ناامنی زنان در فضای شهری در شهر مشهد

رفتارهای نابهنجار در محله(بتا= ۰,۳۲)، وجود فضاهای ناامن شهری در محله(بتا= ۰,۰۹) و مورد خشونت واقع شدن در محله(بتا= ۰,۰۸) می‌باشد، با اندکی تفاوت، متغیرهای وقوع رفتارهای نابهنجار در محله(بتا= ۰,۲۳)، وجود فضاهای ناامن شهری در محله(بتا= ۰,۲۱) و وجود فضاهای جرم خیر شهری در محله(بتا= ۰,۱۴) تاثیرگذارترین متغیرها بر احساس ناامنی زنان غیرحاشیه‌نشین هستند. علاوه بر متغیرهای فضایی، متغیرهای درآمد خانواده(بتا= ۰,۱۰) و پوشش نامناسب زنان(بتا= ۰,۰۷) بر احساس ناامنی زنان حاشیه‌نشین و متغیر مدت سکونت در محله(بتا= -۰,۰۹) بر احساس ناامنی زنان غیرحاشیه‌نشین تاثیرگذارند. این نتایج نشان می‌دهد که متغیرهای فردی بیشتر بر احساس ناامنی زنان حاشیه‌نشین تاثیر دارد، این در حالی است که متغیرهای موقعیتی می‌تواند بیشتر بر احساس ناامنی زنان غیرحاشیه‌نشین تاثیر بگذارد.

جدول ۷. ضرایب استاندارد شده احساس ناامنی زنان در فضای شهری روی متغیرهای مستقل به تفکیک

گروه‌های سنی زنان

مدل ۹		مدل ۸		مدل ۷		
زنان بزرگسال (بیشتر از ۵۰ سال)		زنان میان‌سال (۳۰ تا ۴۹ سال)		زنان جوان (۱۵ تا ۲۹ سال)		
معناداری	ضریب بتا	معناداری	ضریب بتا	معناداری	ضریب بتا	
۰,۴۵۶	۰,۰۳	۰,۰۹۸	۰,۰۴	۰,۵۶۹	۰,۰۲	وضعیت روشنایی معابر و کوچه‌های محله
۰,۱۲۱	۰,۰۶	۰,۰۰۰	۰,۱۵	۰,۰۰۰	۰,۱۵	وجود فضاهای ناامن شهری در محله
۰,۰۵۷	۰,۰۸	۰,۶۷۷	۰,۰۱	۰,۱۵۲	۰,۰۷	وجود فضاهای جرم خیر شهری در محله
۰,۰۰۰	۰,۲۶	۰,۰۰۰	۰,۲۹	۰,۰۰۰	۰,۳۳	وقوع رفتارهای نابهنجار در محله
۰,۰۰۱	۰,۱۱	۰,۱۵۸	۰,۰۳	۰,۳۰۹	۰,۰۴	مورد خشونت واقع شدن در محله
۰,۳۵۵	-۰,۰۳	۰,۳۱۱	-۰,۰۳	۰,۰۰۴	-۰,۱۱	موقعیت محل زندگی (حاشیه شهر = ۱)
۰,۳۷۸	۰,۰۳	۰,۰۴۸	-۰,۰۵	۰,۴۰۴	۰,۰۳	مدت سکونت در محله
۰,۶۵۷	۰,۰۲	۰,۱۷۹	۰,۰۴	۰,۵۹۴	-۰,۰۲	تحصیلات
۰,۱۸۸	۰,۰۴	۰,۸۲۵	۰,۰۱	۰,۹۲۶	۰,۰۰	وضعیت فعالیت (شاغل = ۱)
۰,۰۷۲	۰,۰۶	۰,۴۱۸	۰,۰۲	۰,۲۸۲	-۰,۰۴	وضعیت تاهل (مجرد = ۱)
۰,۰۰۰	۰,۱۶	۰,۰۱	۰,۰۷	۰,۱۱۳	۰,۰۶	متوسط درآمد ماهیانه خانوار
۰,۲۱۳	۰,۰۴	۰,۰۴۱	۰,۰۵	۰,۰۰۲	۰,۰۸	پوشش نامناسب زن
۰,۱۸		۰,۱۷		۰,۲۴		ضریب تعیین
۸۳۴		۱۴۴۸		۶۸۰		تعداد پاسخ‌گویان

در مدل‌های ۷ و ۹ رابطه متغیرهای مستقل با متغیر وابسته به تفکیک گروه‌های سنی زنان آورده شده است. ضریب تعیین مدل‌های ۷ تا ۹ نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل تحقیق،

احساس ناامنی زنان جوان را بیشتر از میان‌سال و بزرگسال توضیح می‌دهد. در متغیرهای فضایی، وقوع رفتارهای نابهنجار در محله و وجود فضاهای ناامن شهری در محله بیشترین تاثیر را بر احساس ناامنی زنان جوان و میان‌سال و متغیرهای وقوع رفتارهای نابهنجار در محله و مورد خشونت واقع شدن در محله بیشترین تاثیر را بر احساس ناامنی زنان بزرگسال دارد. در متغیرهای موقعیتی، در حاشیه شهر زندگی کردن و مدت سکونت در محله به ترتیب تاثیر منفی و معنادار بر احساس ناامنی زنان جوان و میان‌سال دارد. این در حالی است که متغیرهای موقعیتی بر احساس ناامنی زنان بزرگسال تاثیری ندارد. در متغیرهای فردی، متغیر پوشش نامناسب زنان بر احساس ناامنی زنان جوان و میان‌سال و متغیر درآمد خانوار بر احساس ناامنی زنان میان‌سال و بزرگسال تاثیر معنادار دارد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

احساس ناامنی یکی از مسائل شهری است که بیشتر در شرایط مداخلات در فضای عمومی و سیاست‌های کلی شهری مورد توجه قرار می‌گیرد. این احساس با پدیده‌های خیلی پیچیده و متنوع (از پویایی‌های جمعیت‌شناختی تا کیفیت روشنایی و محافظت از فضا) مرتبط است. زنان در مواجهه با ناامنی از مردان آسیب‌پذیرتر هستند. در همین راستا وسلی و گاردنر (۲۰۰۴) بیان می‌کنند که ترس زنان بیشتر از تردد تنهایی در فضاهای عمومی می‌آید، به این خاطر که آن‌ها بیشتر اوقات با یک همراه تردد می‌کردند و بدترین تجربه‌ها را زمانی در فضاهای عمومی داشتند که به همراه اعضای خانواده و پلیس نبودند و این امر تحلیل جداگانه‌ی عوامل موثر بر احساس ناامنی زنان را ضروری می‌سازد. با توجه به این اهمیت، تحقیق حاضر با هدف بررسی احساس ناامنی زنان و عوامل موثر بر آن در شهر مشهد انجام شد.

نتایج تحقیق نشان داد که زنان با تحصیلات دانشگاهی نسبت به زنان با تحصیلات پایین‌تر، دارای احساس ناامنی و ترس بیشتر هستند. همچنین زنان شاغل از زنان خانه‌دار احساس ناامنی بیشتری دارند. این نتایج را می‌توان به این صورت توضیح داد که به دلیل تغییر نگرش به زنان در عصر حاضر و ورود بیشتر زنان به عرصه‌های عمومی، آن‌ها بیشتر در ارتباط با جامعه و انواع و اقسام خطرات ناشی از این حضور قرار گرفته‌اند. زنان با تحصیلات دانشگاهی و شاغل برای ایفای نقش خود نیاز دارند که به تنهایی و بدون حضور شخص دیگری از خانواده در عرصه عمومی حضور پیدا کنند و این احتمال در معرض خطر قرار گرفتن آن‌ها و متعاقباً احساس ناامنی و ترس آنها را بالا می‌برد. نتایج تحقیق حیدری و همکاران (۱۳۹۲) هم حکایت از رابطه تحصیلات و اشتغال بر احساس ناامنی زنان دارد.

نتایج تحقیق نشان داد که متغیرهای وقوع رفتارهای نابهنجار در محله، وجود فضاهای ناامن شهری در محله، متوسط درآمد ماهیانه خانوار، مورد خشونت واقع شدن در محله، پوشش نامناسب زن، موقعیت محل زندگی در حاشیه شهر، وجود فضاهای جرم خیز شهری در محله و وضعیت روشنایی معابر و کوچه های محله مهم ترین متغیرهای موثر بر احساس ناامنی زنان در مشهد است. این نتایج حکایت از اهمیت متغیرهای فضایی موثر بر احساس ناامنی و ترس در زنان شهر مشهد دارد. به طور کلی متغیرهای فضایی مخرب احساس امنیت زنان، بازنمایی از مکان های خطرناک در شهر هستند. در این مکان ها افراد مشغول فعالیت های کجروانه و حاشیه ای هستند و عدم برخورداری از حمایت های اجتماعی، مشخصه اصلی این مکان های شهری است. درباره این مکان ها دو دیدگاه مطرح می شود. یکی از آنها بر فرایندهای روانی-اجتماعی آگاهی و اشاعه درک از خطر در سطح همسایگی و دیگری بر جنبه های محیطی و زمینه ای تحركات افراد وقتی که خطر را حس می کنند، تمرکز می کند. ویلکاکس^۱ (۲۰۰۲) بیان می کند که در دیدگاه همسایگی تاکید بر پویایی های روانی-اجتماعی انتشار آگاهی از رفتارهای کجروانه است که نتیجه تجربیات مستقیم و غیرمستقیم افراد است و منجر به کاهش حس اعتماد به نفس و افزایش استرس آنها از در معرض خطر قرار گرفتن می باشد. این دیدگاه بیشتر به جنبه های ذهنی ادراک خطر و ترس افراد اشاره می کند. این در حالی است که رایبسون^۲ (۲۰۰۳) در دیدگاه محیطی و زمینه ای بر خصوصیات روانی-اجتماعی مکان های خطرناک تاکید می کند که جنبه های عینی بیشتری دارد. او مجموعه ای از متغیرها مثل زوال ساختمان های محله، ادراک رفتارهای غیرمردمی و حضور افراد خطرناک و مجرم بدون وجود حمایت اجتماعی را در احساس ناامنی موثر می داند. بنابراین در فضای شهری مشهد می توان انتظار داشت که متغیرهای وضعیت روشنایی معابر و کوچه های محله و وجود فضاهای ناامن شهری در محله با توجه به دیدگاه همسایگی و آگاهی و ادراک زنان از خطر تبیین شود. متغیرهای وضعیت روشنایی معابر و کوچه های محله و وجود فضاهای ناامن شهری در محله می تواند با توجه به تجربیات غیرمستقیم زنان برای آنها احساس ناامنی و ترس به همراه آورد. همچنین به نظر می رسد که دیدگاه محیطی و زمینه ای می تواند تاثیر وجود فضاهای جرم خیز شهری در محله و وقوع رفتارهای نابهنجار در محله را بر احساس ناامنی زنان مشهدی توضیح دهد. در این دیدگاه، نشانه های خطر و ایجاد کننده ناامنی بیشتر عینی و قابل مشاهده هستند تا ذهنی. بنابراین می توان انتظار داشت که مکان های تجمع معتادان، افراد مزاحم و شرور و مکان هایی برای خرید و فروش مواد مخدر در محله به همراه وجود افراد معتاد شدید با ظاهر نامناسب در سطح محله به صورت بالفعل ترسناک و نمود عینی مکان های خطرناک باشد. بنابراین می توان انتظار داشت که وجود چنین مکان هایی تبیین-

1 - Wilcox

2 - Robinson

کننده احساس ناامنی زنان در مشهد باشد. نتایج تحقیقات دیگر مثل وارپ (۲۰۱۵)، والرا و گواردیا (۲۰۱۴)، لی و همکاران (۲۰۰۷)، حیدری و همکاران (۱۳۹۲) و گلی (۱۳۹۰) حکایت از تاثیر متغیرهای فضایی بر احساس امنیت زنان دارند.

نتایج تحقیق حکایت از این دارد که وقوع رفتارهای ناپه‌نجا در محله و مورد خشونت واقع شدن در محله بر احساس ناامنی زنان حاشیه‌نشین بیشتر از زنان غیرحاشیه‌نشین تاثیر می‌گذارد. این در حالی است که وجود فضاهای ناامن شهری در محله و وجود فضاهای جرم خیر شهری در محله بیشتر بر احساس ناامنی زنان غیرحاشیه‌نشین تاثیر دارد تا زنان حاشیه‌نشین. این نتایج نشان می‌دهد که برخی شاخص‌های موثر بر احساس ناامنی زنان مثل وجود افراد معتاد شدید با ظاهر نامناسب در سطح محله، مزاحمت‌ها برای دختران و زنان محله، سرقت از منزل اهالی محله، مصرف مشروبات الکلی و مصرف مواد مخدر در محله، تهدید شدن توسط چاقو، کتک خوردن و مورد زورگیری قرار گرفتن در محله در محله‌های حاشیه‌نشین بیشتر از محله‌های دیگر وجود دارد که در نهایت منجر به افزایش بیشتر احساس ناامنی زنان در مناطق حاشیه‌نشین می‌گردد. نتایج بیانگر آن است که پوشش نامناسب زنان حاشیه‌نشین بر احساس ناامنی آن‌ها تاثیر مثبت و معنادار دارد این در حالی است که این تاثیر در زنان غیرحاشیه‌نشین وجود ندارد. این تاثیر می‌تواند یا به دلیل پوشش نامناسب‌تر زنان حاشیه‌نشین نسبت به سایر زنان باشد یا به دلیل تحریک پذیری بیشتر مردان حاشیه‌نشین شهر که با دیدن پوشش نامناسب زنان اقدام به آزار و اذیت زنان می‌کنند. همچنین نتایج نشان می‌دهد که مدت سکونت در محله بر احساس ناامنی زنان غیرحاشیه‌نشین تاثیر معکوس دارد. به این معنا که با افزایش مدت سکونت در محله، احساس ناامنی زنان کمتر می‌شود. زنان غیر حاشیه‌نشین با ماندگاری بیشتر در محلات می‌توانند ارتباطاتی با سایر افراد محله برقرار کنند و پیوندهای اجتماعی که یکی از منابع حمایت اجتماعی است را دریافت کنند. همچنین میزان سکونت بیشتر در محله منجر به ایجاد تعلق اجتماعی یا هویت محله‌ای بین اعضای محله می‌شود که این مورد هم می‌تواند یکی از منابع حمایت برای زنان باشد. بنابراین زنان غیرحاشیه‌نشین با ماندگاری بیشتر در محلات خود، حمایت‌های بیشتری دریافت و در نتیجه احساس ناامنی و ترس کمتری می‌کنند.

مطابق نتایج تحقیق، وقوع رفتارهای ناپه‌نجا در محله و وجود فضاهای ناامن شهری در محله بیشترین تاثیر را بر احساس ناامنی زنان جوان و میان‌سال و متغیرهای وقوع رفتارهای ناپه‌نجا در محله و مورد خشونت واقع شدن در محله بیشترین تاثیر را بر احساس ناامنی زنان بزرگ‌سال دارد. وقوع رفتارهای ناپه‌نجا در محله بیشترین تاثیر را بر زنان جوان می‌گذارد. این تاثیرگذاری بیشتر می‌تواند به این خاطر باشد که زنان جوان احتمالاً بیشتر در حال تحصیل در

دانشگاه و شاغل در سازمان‌ها هستند و حضورشان در عرصه‌های عمومی بیشتر از سایر زنان است و احتمال در معرض خطر گرفتن و ناامنی برایشان بالاتر است. همچنین تاثیر پوشش نامناسب بر احساس ناامنی و ترس در زنان جوان بیشتر از زنان دیگر است. زنان جوان به دلیل حضور در دوران جوانی، بیشتر از سایر زنان لباس‌های مد روز می‌پوشند و آرایش می‌کنند، به همین دلیل احتمال قربانی شدن زنان جوان بیشتر خواهد شد و احساس ناامنی و ترس‌شان بالا می‌رود.

حال سوال اینجاست که چه کارهایی باید انجام دهیم تا احساس ناامنی زنان کاهش یابد. رویکردی به نام رویکرد اجتماعی امن^۱ وجود دارد که تاکیدش بر بهینه سازی فضاهای شهری است به نحوی که افراد حس بهتر و راحت‌تری را در این فضاها تجربه کنند و اصطلاحاً این فضاها کاربر پسندتر^۲ شوند (وارپ، ۲۰۱۵). مبنای اصلی این رویکرد آن است که فضایی باز و آزاد برای میدان دید افراد و قدرت انتخاب آن‌ها و کنترل‌شان بر محیط فراهم آید و نیز فضای خلوت و آرام شهری (البته با در نظر گرفتن این عامل که فرد در این فضاها از جمع و از شلوغی دور افتاده نشود) ایجاد گردد. دقیق‌تر آن‌که فضاهای شهری باید طوری طراحی شوند که فاصله افراد با هم حفظ شود و مردم بتوانند به راحتی فاصله را حفظ کنند و همدیگر را واضح ببینند. علاوه بر این وجود مسیرهای متنوع تردد - هم در خروجی‌ها و هم ورودی‌ها - در فضاهایی همچون پارک‌ها وجود داشته باشد تا افراد بتوانند در شرایط خاص و تهدید کننده، آن مکان را ترک کنند. افزون بر این، فضاهای شهری باید به گونه‌ای طراحی شوند که فرد با قرار گرفتن در یک مکان از انتظار عمومی جدا نیفتد. اگر مسأله جنسیت را در طراحی فضاهای شهری بیشتر در نظر گرفته شود، فضا برای گروه‌های اقلیتی یا گروه‌های در معرض خطر امن‌تر خواهد شد و این امر موجب می‌شود زنان هم مانند مردان در جامعه به یک میزان از بودن در فضاهای شهری احساس خوشایندی داشته باشند.

منابع:

- بمانیان، محمدرضا، رفیعیان، مجتبی، ضابطیان، الهام (۱۳۸۸)، سنجش عوامل موثر بر ارتقای امنیت زنان در محیط‌های شهری (مورد: محدوده اطراف پارک شهر - تهران)، *زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)*، شماره ۳ (پیاپی ۲۶): ۴۹ - ۶۷.
- جمالی، هاجر، شایگان، فریبا (۱۳۹۰)، نقش تاکسی بی‌سیم بانوان بر احساس امنیت زنان تهرانی، *فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی*، سال ششم، شماره ۱: ۹۵-۱۱۴.

1- Safe community
2- More user friendly

- حیدری، آرمان، طالبی، سمیه، افشار، زینب (۱۳۹۲). نابرابری‌های منطقه‌ای امنیت مورد مطالعه زنان ۱۵ سال به بالای ساکن مناطق شهر یاسوج، *پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی*، دوره ۲، شماره ۱ (پیاپی ۵): ۹۱-۱۰۸.
- ریتزر، جورج (۱۳۸۶)، *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- علیخواه، فردین، نجیبی، مریم (۱۳۸۵)، زنان و ترس از جرم در فضاهای شهری، *رفاه اجتماعی*، شماره ۲۲: ۱۰۹-۱۳۱.
- گلی، علی (۱۳۹۰)، زنان و امنیت در فضاهای عمومی شهری (مطالعه موردی: پارک آزادی شیراز)، *جامعه‌شناسی تاریخی*، شماره ۲: ۱۴۳-۱۶۴.
- مدیری، آتوسا (۱۳۸۵)، جرم خشونت و احساس امنیت در فضاهای عمومی شهر، *رفاه اجتماعی*، شماره ۲۲: ۱۱-۲۸.
- نصری، قدیر (۱۳۸۱)، معنا و ارکان جامعه‌شناسی امنیت. *فصلنامه راهبرد*، شماره ۲۶.
- نوروزی، فیض اله و فولادی سپهر، سارا (۱۳۸۸)، بررسی احساس امنیت زنان ۱۵-۲۹ ساله شهر تهران در دو بعد احساس امنیت زنان در محیط خانواده و احساس امنیت در مکان‌های عمومی، *فصلنامه راهبرد*، شماره ۵۳: ۱۲۹-۱۵۹.
- Adler, P. S., & Kwon, S. W. (2002). Social capital: Prospects for a new concept. *The Academy of Management Review*, 18, 17-40.
- Bourdieu, P. (1986). The forms of capital. In J.G. Richardson (Ed.), *Handbook of theory and research for the sociology education*. New York, NY: Greenwood.
- Bowman, C. G. (1993). Street harassment and the informal ghettoization of women. *Harvard Law Review*, 106(3), 517-580.
- Buzan, B. (2008), *People, States and fear: An agenda for International Security Studies in the Post-Cold War Era*, London: Harvester Wheatsheaf.
- Buzan, B., Waever, O. and De Wilde, J. (1998) *Security: A New Framework for Analysis*, Colorado: Lynne Rinner Publishers, Inc., Boulder.
- Cahir, J. (2013), *Balancing Trust and Anxiety in a Culture of Fear: Text Messaging and Riots*, *SAGE Open*, April-June 2013: 1-12.
- Carro, D. Valera, S. Vidal, T. (2010). Perceived insecurity in the public space: personal, social and environmental variables, *Qual Quant*, 44:303-314.
- Day, K, Stump, C, Carreon, D. (2003), *Confrontation and loss of control: Masculinity and men's fear in public space*, *Journal of Environmental Psychology*, 23: 311-322.
- Day, K. (2001). *Constructing masculinity and women's fear in public space in* 8(2), 109-127., Irvine, California. *Gender, Place and Culture*

- Fenster, T. (2006). 'The Right to the Gendered City: Different Formations of Belonging in Everyday Life'. *Journal of Gender Studies*, 14(3), 217-231.
- Friedan, B. (1977). *The Feminine Mystique*. 10th anniversary edition. New York: Dell Publishing.
- Fukuyama, F. (2002). *Social capital and development: The coming agenda*. SAIS
- Giddens, A. (1990). *The consequences of modernity*. Stanford, CA: Stanford University Press.
- Giddens, A. (1991). *Modernity and self-identity: Self and society in the late modern age*. Stanford, CA: Stanford University Press.
- Hough, P. (2004) *Understanding Global Security*. New York: Routledge.
- Koskela, H. (1997). Bold walk and breakings': Women's spatial confidence 301-320. :versus fear of violence. *Gender, Place, and Culture*, 4(3)
- geographies of gender, fear of :Koskela, H. (1999) Fear, control and space violence, and video surveillance. PhD thesis, University of Helsinki.
- Massey, Doreen (1994). *Space, Place and Gender*. University of Minnesota Press,
- Mehta, A., & Bondi, L. (1999). Embodied discourse: On gender and fear of violence. *Gender, Place and Culture*, 6(1), 67-84. Minneapolis.
- Pain, R. (2001). Gender, Race, Age and Fear in the City, *Urban Studies*, 38(5): 899-913.
- Panić, B. (2009). Societal security – security and identity. *Western Balkan Security Observer*, No 13:29-39
- Popova, Z. (2012), the Social Capital as a Security Factor, *Journal of Regional Security*, 7:1, 1-15. Review, 22(1), 23-37.
- Robinson, J.B., Lawton, B.A., Taylor, R.B., Perkins, D. (2003). Multilevel longitudinal impacts of incivilities: fear of crime, expected safety, and block satisfaction. *Journal of Quantitative Criminology*. 19(3), 237-274.
- Saleh, A. (2010), Broadening the Concept of Security: Identity and Societal Security. *Geopolitics Quarterly*, Volume: 6, No 4:228-241.
- Valera, S, Guàrdia, J. (2014), Perceived insecurity and fear of crime in a city with low-crime rates. *Journal of Environmental Psychology* 38: 195-205.
- Waerp, E. (2015). Right to the City? Street Harassment and Women's Fear in a Gendered Public Space, MSc Political Science Theses, Graduate School of Social Sciences, University of Amsterdam.
- Watson, Sophie (2010). 'City A/genders', in Bridge, G. and Watson (eds.), *The Blackwell City Reader*, Wiley
- Weaver, O. (2008), the Changing Agenda of Societal Security. In *Globalization and Environmental Challenges, Reconceptualizing Security in the 21st Century*, ed. H. G. Brauch, U. O. Spring, C. Mesjasz, J. Grin, P

- 581–593. Berlin: .Behera, B. Chourou, P. Kameri-Mbote, P. H. Liotta, pp
Springer Berlin Heidelberg.
- Wesley, J. K. and Gaarder E. (2004). ‘The Gendered “Nature” of the Urban
Outdoors: Women Negotiating Fear of Violence’. *Gender & Society*, 18(5),
645-663.
- Wilcox, P., Quisenberry, N., Jones, S (2002). The built environment and
Journal of Research in Crime and .community crime risk interpretation
Delinquency. 40(3), 322–345.